

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

الحاج خلیل الله ناظم باختری
همبورگ - جرمنی

شور محشر

این پارچه شعر را من و فخر الشعراء و ملک الشعراء محترم نسیم "اسیر"
بدون صحبت حضوری از طریق مکاتبه باتفاق هم سروده ایم
و ابیات بین ناخنکها، از جناب "اسیر" میباید.

صیوری کردم و صبرم سرآمد	خدایا شیرۀ جانم بر آمد
نه محمود آمد و نی روزِ محمود	نه سالار و سپاه و لشکر آمد
نه نیکه و نه بابا و نه دادا	نه غازی و شهیدِ اکبر آمد
{بمانندِ امانِ اللهِ غازی	{نه یک فرزندِ والا گوهر آمد
{نه ظاهرشاه را پیدا کند کس	{که تا او رفت بد شد بدتر آمد
چه شد اسپِ سمندِ تیز رفتار	که از پا ماند و بر جایش خر آمد
{کمونستان ملحد سر کشیدند	{مسلمانی زبون شد کافر آمد
{قباحت پیشگانِ ملکِ ما را	{نه فخری از پدر نی مادر آمد
{ولی هیئات و صد افسوس و حرمان	{که تا بیگانه از میهن بر آمد
{ز فرزندانِ ناصالح چه سر زد	{سر مردم چه شور محشر آمد
{چه خوش می گفت روزی درد مندی	{که روزم به نشد، بد بد تر آمد
زمین و آسمان آمد به فریاد	دد و دیو و بلا در کشور آمد
فساد و فتنه و قتل و شرارت	ز فیضِ مقدمت ای رهبر آمد
وطن سر تا به پا آتش گرفته	سپندِ جانِ ما در مجمر آمد
خدا رحمی کند بر حالِ مردم	به اول خیر و در آخر شر آمد
{به گوشِ من اسیرِ آوازِ ناظم	{چو آهنگِ خلیلِ آذر آمد

ندارد ناظم از قسمت شکایت

که نیک و بد به حکم داور آمد